



گزارش رصد فرهنگی (۱۳)

وضعیت تئاتر ایران در سال ۱۳۹۸

این گزارش به رویدادها و دگرگونی‌های تئاتر ایران (سیاست‌گذاری و اجرای آن) در دوره یک‌ساله ۱۳۹۸ می‌پردازد، گرچه به دلیل گسترش بیماری کووید ۱۹ و تأثیر بنیادینش بر شرایط تئاتر، به‌ناچار وضعیت تئاتر تا میانه سال ۱۳۹۹ نیز بررسی شده است. این گزارش توسط رضا کوچک‌زاده نوشته شده است.

دایره اصلی بررسی این گزارش بیش‌تر به تئاتر تهران بازمی‌گردد که تولید و اجرای تئاتر در آن بیش از شهرهای دیگر نمود دارد و حرفه‌ای شده است. ولی این نکته اصلاً به مفهوم نبود تئاتر حرفه‌ای و استاندارد در دیگر شهرها نیست؛ دلیلش ناآگاهی ما به دلیل نبود داده‌هایی مطمئن و مستند از تئاتر استان‌هاست. البته دامنه بسیاری از نکته‌هایی که در این گزارش آمده است تئاتر ایران را در بر می‌گیرد و تنها به تئاتر تهران محدود نیست.

از میان هنرها، تئاتر اجتماعی‌ترین و زنده‌ترین آن‌هاست و نزدیک‌ترین هنر به طبقه متوسط شهری شمرده می‌شود. بسیاری از پدیدآوران و تماشاگران هنرهای نمایشی در این طبقه از جامعه جای دارند که گستردگی بیشتری نسبت به دیگر طبقات جامعه دارد. طبقه متوسط شهری قشری تحصیل‌کرده با سطح درآمدی متوسط (نسبت به دیگر طبقات جامعه) و پایین‌تر از آن است که می‌تواند به سرگرمی‌های فرهنگی بیندیشد و گاه بکوشد با آموزش مناسب، سطح فرهنگی و اجتماعی خویش را ارتقا بخشد. کتاب و کتابخانه، سینما، تئاتر، موسیقی و نمایشگاه بخشی از هنرها و فضاهای مهم شهری & shy; اند که می‌توانند به رشد این افراد کمک کنند و علایق آن‌ها را شکل دهند، ولی تئاتر به دلایل گوناگون (و ازجمله زنده بودن اجرای آن) به ایشان نزدیک‌تر است. از این & shy; رو، واکنش تئاتر به مسائل جامعه با شدت و ژرفایی بیشتر همراه است؛ و البته — شاید به دلیل واکنش فوری تئاتر به رویدادهای جامعه — برخورد حذفی و ممیزی مدیران نیز در تئاتر بیش از هنرهای دیگر است. گرچه روشن است که گستره مخاطبان این هنر در هر اجرا بسیار کمتر از هنرهایی چون سینما یا رسانه‌هایی چون تلویزیون و رادیوست. شاید به همین دلیل است که بسیاری از کنشگران و اندیشه‌مندان جامعه از گسترش تئاترهای سطحی با بلیت‌های گران‌نگران‌اند و این رویکرد را با کارویژه اصلی تئاتر (بازتاب اجتماعی و زندگی انسان) در تضاد می‌بینند.

گرانی بلیت‌ها و کم شدن درآمدهای قشر متوسط در سال‌های اخیر، فاصله این طبقه اجتماعی را با تئاتر بیشتر کرد و بخشی از طبقه مرفه را جایگزین این تماشاگران مؤثر در تئاتر کرد، بنابراین تماشاگران تازه — که بسیاری‌شان دغدغه فرهنگی و اندیشه‌محور نداشتند — با پولی که به تئاتر آوردند، خواسته‌های خویش را هم به این گونه هنری تحمیل کردند. از جمله این خواسته‌ها ستاره‌محوری در گزینش بازیگران، انتخاب موضوع‌های سطحی و گاه صرفاً خنده‌دار، و تبدیل هنری فاخر به نوعی سرگرمی شبانه بود که دیگر کارکردی جز یک میهمانی اشرافی نداشت. از سوی دیگر، دولت هم به سرعت از نقش تأثیرگذار خویش در کمک به تولید نمایش‌ها & shy; به & shy; ویژه نمایش‌های اندیشه‌محور و ارزشمند - کاست و با حذف کمک‌های مالی، کنار گذاشتن مهم‌ترین هنرمندان شناخته‌شده و حرفه‌ای از چرخه تولید، و برخورد حذفی و ممیزی لجام‌گسیخته و نابخردانه از مهم‌ترین نمایش‌های بخش خصوصی به خواست سطحی طبقه مرفه نزدیک شد؛ چنان & shy; که مدیر مجموعه دولتی «تئاتر شهر» نیز، در رویارویی با هنرمندان تئاتر، یکی از ویژگی‌های مهم این مجموعه را برای گزینش آثار پرفروشی آن‌ها اعلام کرده است و در این جهت می‌کوشد. درحالی & shy; که این مجموعه به & shy; عنوان مهم‌ترین تئاتر ایران - دست‌کم در

جایگاه نمادین دولتی- وظیفه دارد از نمایش‌های اندیشه‌محور و استاندارد حمایت کند که می‌توانند مرزهای هنر تئاتر را گسترش دهند و به بازتعریفی نوین از آن دست یابند؛ فارغ از اینکه در گیشه موفق باشند یا نباشند. این نگرش‌های نادرست سبب دگرگونی بسیاری از تئاترها و رویکردهای دیگر در تولید نمایش‌ها شد که از اهداف پیشین تئاتر ما، روز به روز، دورتر شدند.

افزایش بیش از حد شمار دانش‌آموختگان تئاتر دانشگاهی کشور در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ و نیز افزایش هنرجویانی که در همین دوره از آموزشگاه‌های هنری بیرون می‌آمدند شمار تئاترورزان ما را به شکلی پیش‌بینی‌نشده و طوفانی گسترش داد؛ در حالی که زیرساخت‌های تئاتر ایران (فضای نمایشی و تماشاگران آموخته و حرفه‌ای) متناسب با جمعیت افزوده آن شکل نگرفت و گسترش نیافت. تئاتر خصوصی، که با ایده دولت‌مردان از آغاز دهه ۱۳۸۰ خورشیدی آرام‌آرام شکل گرفت، جز عنوانی بی‌محتوا نشد، زیرا تنها به گسترش تماشاخانه‌های خصوصی انجامید که بیش از تالارهای دولتی، هنرمندان را در تنگنای مالی قرار دادند. در تئاتر (شبه) خصوصی ایران هیچ کمپانی حرفه‌ای و استانداردی برای تئاتر پدید نیامد و دولت نیز، برخلاف دیگر کشورها، حمایتی مادی و معنوی از کمپانی‌ها و گروه‌ها یا آثار درخشان نکرد. با رویکردهای کنونی اداره کل هنرهای نمایشی، دیگر واژه تئاتر دولتی هم ناکارآمد شده است، زیرا جز چند استثنا که بیشتر نمایش‌های مذهبی را دربردارد، کمابیش هیچ نمایشی با امکانات و هزینه‌های دولتی در ایران تولید نمی‌شود؛ حتی آثاری که در تالارهای اندک دولتی به صحنه می‌روند.

به نظر می‌رسد بررسی دقیق و منظم و هر ساله تئاتر ایران با چشم‌انداز رصد فرهنگی و برنامه‌ریزی درست و پایه‌ای برای دگرگونی مثبت و پیوسته، نه تنها می‌تواند تئاتر ما را نجات بخشد و به سوی وظایف ذاتی‌اش در آموزش و رشد جامعه و دفاع راستین از حقوق بشر بازآورد، که می‌تواند به درستی نقشی مهم در رشد هنری مناسب و مطلوب و گسترش فرهنگی و نیز چرخه درست اقتصاد هنر داشته باشد.

مهم‌ترین پرسش گزارش پیش رو این است که:

وضعیت راستین تئاتر ایران در سال ۱۳۹۸ چگونه بوده است؟
و سپس چند پرسش دیگر را هم دربرمی‌گیرد:
در این سال چه دگرگونی‌ها و تحولاتی در تئاتر ما روی داده است؟
سیاست‌گذاری تئاتر به چه سویی رفته است؟
موانع رشد کیفیت و گسترش کمیت تئاتر ایران چه بوده‌اند؟
هنرمندان تئاتر ایران در این سال چه وضعیتی داشته‌اند؟

محدودیت‌ها

این گزارش به مهم‌ترین رویدادهای تئاتر ایران و آشنایی با اجراهای مهم آن -با تمرکز بر تهران- می‌پردازد که با تجزیه و بررسی دقیق هر یک از آن‌ها شاید بتوان دگرگونی بنیادینی در مسیر انحرافی تئاتر ایران پدید آورد. شاید بهتر بود که این گزارش به دیگر اضلاع تأثیرگذار بر روند تئاتر ایران هم می‌پرداخت، برای نمونه، می‌شد به کتاب‌های تئاتری مهم و کارساز و کنش‌های دانشگاهی در رشته تخصصی تئاتر و ناکارآمدی بسیاری از آموزش‌های دانشگاهی یا بررسی کارآمدی رسانه‌ها (به‌ویژه حذف تئاتر از سبد رسانه ملی و ستیز صداوسیما با آن) در بررسی و آگاهی‌رسانی هنرهای نمایشی هم پرداخت. همین‌طور می‌شد با بررسی روند نادرست اقتصاد جامعه و کاهش

قدرت خرید قشرهای متوسط و ضعیف، چرایی و چگونگی کاهش تماشاگران آگاه و اثرگذار هنرهای نمایشی را بررسی کرد، ولی زمان نگارش اندک بود و گسترهٔ ویژگی‌های تأثیرگذار بسیار. از این‌رو، در این بررسی اجمالی نیامدند. در زمانی دیگر، بهتر است به این مؤلفه‌های کارآمد بیشتر توجه شود و تأثیرات مثبت یا مخربشان به‌درستی و با دقت بررسی شود.

در نبود داده‌های مستند و رسمی اداره کل هنرهای نمایشی، همهٔ داده‌های این گزارش با جست‌وجو و پرس‌وجوهای بسیار از هنرمندان و پژوهشگران تئاتر و رسانه‌های گوناگون (از پایان فروردین تا پایان شهریور ۱۳۹۹) فراهم شده است و سپس هر یک از آنها با منابع دیگر سنجیده و به‌گونه‌ای راستی‌آزمایی شده است. اندک داده‌هایی که از تئاتر برخی استان‌ها در گزارش‌های گوناگون سایت هنرهای نمایشی به دست آمد در این راستی‌آزمایی از اعتبار افتادند، زیرا بسیاری از این آثارها با واقعیتی که هنرمندان استان‌ها بیان کردند منطبق نبودند و برخی از آنها بسیار مبهم و ناکارآمد بودند. هرچند، در ویرایش پایانی، برخی داده‌های کلی تازه نشریافته از سوی وزارت ارشاد به این گزارش افزوده شدند تا شِمایی از نسبت هستی و گسترش تئاتر در استان‌ها پیش رو نهند. از این‌رو، این گزارش جزئیات تئاتر استان‌ها را در بر ندارد، ولی در مسائل بنیادین تفاوت‌چندانی میان تئاتر تهران و شهرستان نیست.

ساختار گزارش

گزارش پیش رو، پس از بیان مسئله و محدودهٔ بررسی، به مروری بر مهم‌ترین و اثرگذارترین رویدادهای نمایشی سال می‌پردازد و در یادکرد هر رویداد به گونه‌ای آسیب‌شناسی دست می‌یابد و تأثیر آن کنش‌ها را نیز در بر می‌گیرد. وصف رویدادها نیز آگاهانه از شیوهٔ رسمی گزارش‌های کمی‌گرای دولتی دور شده و اصل و بنیاد مهم‌ترین رخدادها را از نگرهٔ کنشگران هنرهای نمایشی و سپهر تئاتر ایران سنجیده است. در بخش دیگر، به مهم‌ترین رویدادهای صنفی اشاره شده است که بیشتر وقت‌ها از دید سیاست‌گذاران فرهنگ و هنر کشور دور می‌ماند؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد رسیدن به خصوصی‌سازی هنر، که از سیاست‌های حاکمیت در دو دههٔ گذشته بوده است، بدون در نظر گرفتن خواسته‌ها و کنش‌های مستقل صنفی و تعریف‌های استاندارد هنر غیردولتی و کرانه‌مندکردن آن ناشدنی است. آشنایی با برخی از مهم‌ترین نمایش‌های اجراشدهٔ سال و اشاره به چکیدهٔ موضوع و روایتشان و گاه توفیق آن‌ها بخشی دیگر از این گزارش را فراهم آورده است تا خواننده به‌شکلی مصداقی با برخی رویکردهای تئاتر ایران در این سال آشنا شود و بخشی از محتوای آن‌ها را دریابد. جدا از نگرش جامعه‌شناختی و آسیب‌شناسانه به تئاتر ایران در طول گزارش، نکته‌هایی بر اساس آسیب‌های مدیریت دولتی در هنرهای نمایشی، با توجه به پویایی و زیست‌نگارنده در فضای تئاتر حرفه‌ای ایران، آمده است که نشان می‌دهد بخشی مهم از ضعف‌های کنونی تئاتر ایران از نبود سیاست‌گذاری اندیشیده و زیرساخت مناسب ریشه گرفته است. نگرش جزئی‌نگر به رویدادهای کلان سبب می‌شود تا مسئولان بتوانند به تصمیم‌های مناسب در سیاست‌های فرهنگی پیش رو بپردازند که در بخش پیشنهادها به مهم‌ترین آن‌ها نمونه‌وار اشاره شده است.

فهرست مطالب

درآمد

بیان مسئله

مهم‌ترین رویدادهای نمایشی سال

تعطیلی ادارهٔ تئاتر پس از شش دهه کار مداوم

نوسازی تالار اصلی تئاتر شهر با همکاری تیمی دانش‌بنیان و جوان

مالیات بر ارزش افزودهٔ تئاتر و نگرانی‌هایش

قطع سراسری اینترنت و تعطیلی تبلیغات تئاتر

مسئلهٔ نظارت و ارزشیابی نمایش‌ها و توقیف‌های فراقانونی

جشنوارهٔ تئاتر فجر

جشنواره‌زدگی در تئاتر ایران

تأثیر کووید ۱۹ بر تئاتر

کاهش نمایش‌های اجراشده

استعفای ناگهانی شهرام کرمی، مدیرکل هنرهای نمایشی

حمایت‌های دولتی از تئاتر

مهم‌ترین رویدادهای صنفی

همدلی تئاتری‌ها با مردم آسیب‌دیده در حوادث طبیعی

بهره‌برداری رسمی از ساختمان تازهٔ خانه تئاتر

برپایی جشن پایانی هفتهٔ تئاتر در برج میلاد

شکل‌گیری دبیرخانهٔ انجمن‌ها و سامان‌دهی کانون‌ها و انجمن‌های پیشین و تصویب شکل‌گیری دو انجمن جدید

گشایش کتابخانهٔ رکن‌الدین خسروی

طراحی و اجرای سامانهٔ خانه تئاتر و پیگیری امور صنفی اعضا از سامانه (برای ۱۵ کانون و انجمن زیرمجموعه)

سامان‌دهی اعضا و برنامه‌ریزی منظم برای عضویت تازه

همکاری با صندوق حمایت از هنرمندان برای پیگیری بیمه پایه، بیمهٔ تکمیلی و حمایت‌های مالی از اعضا

برپایی پنجمین نمایشگاه به روایت نسخه‌خوانان
تجهیز و گشایش تالار استاد جوانمرد در خانه تئاتر
واکنش صنفی به بی‌تدبیری در دوره بیماری فراگیر
آشنایی با برخی نمایش‌های مهم سال

لانچر ۵

چشم به راه میرغضب

شهر ما و آشپزخانه

بیگانه در خانه

جمعه‌کشی

هَلَه. هین. هان [هَلا]

است

آسیب‌های مدیریت دولتی در هنرهای نمایشی
نبود شفاف‌سازی در گستره تئاتر ما؛ برخلاف تأکید وزیر

بودجه کم‌شونده تئاتر

بی‌توجهی به تئاتر استان‌ها

برندسازی تئاتر شهر

ضعف بنیادین در بخش پژوهش و انتشارات

پیشنهادها

منابع